



دولت‌های مسلمان

دولت زیدیه در یمن

(۲۸۰ - ۲۹۸ ق / ۱۸۹۳ - ۱۹۱۱ م)

حسن خضیری احمد

مترجم: دکتر احمد بادکوبه‌هزازه

استادیار دانشگاه تهران



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بهار ۱۳۹۱

احمد، حسن خضیری

دولت زیدیه در یمن (۲۸۰ - ۲۹۸ ق. / ۸۹۳ - ۹۱۱ م.) / حسن خضیری احمد؛ مترجم: احمد بادکوبه هزاوه. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰.

۱۳۶ ص. نقشه، - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۵۴: تاریخ؛ ۱۴)

ISBN: 978-964-7788-62-5

بها: ۱۰/۰۰۰ ریال

بالای عنوان: دولتهای مسلمان

کتابنامه: ص. [۱۱۷] - ۱۲۶؛ همچنین به صورت زیر نویس
نمایه.

چ. ۲: ۱۳۸۵. ج. ۳: ۱۳۹۱، بها: ۲۱۰۰۰ ریال.

۱. یمن - تاریخ. ۲. زیدیه - تاریخ. ۳. زیدیه - عقاید. الف. بادکوبه هزاوه، احمد، مترجم. ب.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. عنوان.

۳۵/۹۵۳

DS ۲۴۷ / ی ۸۵ الف ۳۴۰۴۱

شماره کتابخانه ملی ایران
۱۵۲۱۴ - ۸۱ م



دولت زیدیه در یمن

مؤلف: حسن خضیری احمد

مترجم: دکتر احمد بادکوبه هزاوه (استادیار دانشگاه تهران)

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (شماره انتشار: ۵۴؛ تاریخ: ۱۴)

حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ سوم: بهار ۱۳۹۱

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۲۱۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵۱-۲۱۱۱۱ (انتشارات ۲۱۱۱۳۰۰)، نمابر: ۲۸۰۳۰۹۰

تهران: خیابان انقلاب، بین وصال و قدس، نیش کوی آسکو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن ۶۶۴۰۲۶۰۰ و ۶۶۹۷۸۹۲۰

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

فهرست مطالب

۵	سخن پژوهشگاه
۷	پیشگفتار
۹	مقدمه
۱۱	بررسی منابع

فصل اول: وضعیت سیاسی یمن پیش از حکومت زیدیان

۱۹	۱. شهرهای یمن در پایان عصر والیان عباسی
۲۶	۲. ظهور حکومت‌های مستقل محلی در یمن
۲۶	الف) دولت زیدیان
۳۱	ب) دولت بنی یعفر

فصل دوم: پیدایی حکومت بنی رسی در صعده

۳۷	۱. ورود یحیی بن حسین بن قاسم ملقب به هادی به صعده
۴۶	۲. سیاست امام یحیی بن حسین در تحکیم قدرت خود در صعده و فرو نشاندن تحرکات قبایل دشمن
۵۷	۳. سیطره امام یحیی بن حسین بر صنعا

فصل سوم: موضع خلافت عباسی و قدرتهای محلی یمن در برابر حکومت زیدیان

۶۳	۱. خلافت عباسی
۶۹	۲. قدرتهای محلی
۶۹	الف) بنو یعفر
۷۵	ب) اسماعیلیان

فصل چهارم: مذهب زیدی در یمن و موضع‌گیری مذاهب دیگر در قبال آن

۸۳	۱. اصول تفکر زیدی
۹۵	۲. موضع اهل سنت و شیعه نسبت به زیدیه
۹۵	الف) اهل سنت
۹۸	ب) شیعه
۱۰۳	پایان
۱۰۷	پیوست‌ها
۱۱۷	منابع و مأخذ
۱۱۷	الف) نسخه‌های خطی
۱۱۹	ب) منابع کهن چاپی
۱۲۴	ج) منابع چاپی جدید
۱۲۶	د) منابع انگلیسی
۱۲۷	فهرست اسامی و اماکن

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسایل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و فصلنامه علمی - تخصصی و دوفصلنامه‌های علمی - پژوهشی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته‌های «تاریخ» و «تاریخ تمدن اسلامی» در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد، تهیه شده است، امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی، دیگر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند گردند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح این کتاب و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از مترجم گرامی، جناب آقای احمد بادکوبه هزاوه و تلاش حجت‌الاسلام و المسلمین رسول جعفریان در تهیه طرح دولت‌های مسلمان و زمینه‌سازی ترجمه این اثر تشکر و قدردانی کند.

پیشگفتار

دو نیاز، «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» را بر آن داشت تا طرحی را در زمینه تاریخ دولتهای مسلمان عرضه کند: نخست آن که در دروس کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌های «تاریخ» و «تاریخ تمدن اسلامی»، عناوینی چند درباره شناخت تاریخ دولتهای مسلمان وجود دارد که در خصوص بسیاری از آنها کتابی تألیف نشده است. بنابراین، عرضه کتابهای مناسب برای پر کردن این خلأ، ضروری به نظر می‌آید. دوم آن که امروزه با وجود جمهوری اسلامی ایران، شناخت پیشینه دولت‌های بزرگ اسلامی در طول تاریخ، بسیار سودمند و راهگشاست. دولت اسلامی ایران، که در امتداد دولت‌های بزرگ اسلامی قرار دارد و منادی احیای تمدن بزرگ اسلامی است، باید بر تجربه‌های به دست آمده تکیه کند و از آنها بهره‌مند گردد. بر این اساس لازم بود تا فهرستی از این دولتها تهیه، و برای هر یک کتابی مناسب تألیف یا ترجمه شود.

گزینش این دولتها بر اساس دامنه نفوذ آنها در ابعاد زمانی و مکانی صورت گرفته است؛ چنان‌که گاه برخی از آنها در شرق و برخی در غرب، سال‌ها قدرت سیاسی بزرگی را در اختیار داشته و در عرصه فرهنگ و تمدن اسلامی و جغرافیای سیاسی جهان نقشی مهم ایفا کرده‌اند.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

گروه تاریخ

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد خاتم النبيين واشرف المرسلين. موضوع این کتاب برپایی دولت زیدی در یمن در سالهای ۲۸۰ - ۲۹۸ ق/ ۸۹۳ - ۹۱۱ م است. این دولت در اوایل دوران اسلامی نقش مهمی در یمن ایفا کرده و بیش از هزار سال پایدار بوده است.

این کتاب را به چهار فصل تقسیم کرده‌ام. در فصل اول به اوضاع سیاسی در یمن پیش از برپایی دولت زیدی پرداخته‌ام. ابتدا گزارشی از والیان عباسی عرضه کردم که چگونه یکی پس از دیگری به حکومت یمن دست یافتند و بر اثر بی لیاقتی و سوء مدیریت آنان یمن دستخوش پراکندگی و تفرقه شد. سپس از پیدایی حکومت‌های محلی مستقل در یمن سخن گفته‌ام و به تشریح برپایی دولت بنی زیاد در زبید و دولت بنی یعفر در شبام و کوبان پرداخته‌ام و درباره اوضاع داخلی این دولت کوچک و نیز عوامل سستی و جدایی که در هر یک از این دو دولت رخنه کرد، توضیح داده‌ام و سرانجام، فصل را با شرح گسترش دعوت اسماعیلیه در شهرهای یمن به پایان برده‌ام.

فصل دوم را به مطالعه درباره دولت بنی رسی در صعده اختصاص داده‌ام و در این فصل ابتدا اوضاع داخلی و خارجی یمن را که زمینه ساز ورود امام هادی بن حسین به این سرزمین شد به بحث گذاشته‌ام و سپس از سیاست هادی در محکم کردن قدرت در صعده، نشر دعوت، پیوستن بسیاری از قبایل صعده به وی و مقابله با شورش قبایل مخالف، سخن به میان آورده‌ام، همچنانکه به گسترش نفوذ امام هادی به صفا و پیروزی او بر اسعد بن ابی یعفر که با طراحی نقشه‌های ابوالقاهیه همدانی عملی شد، اهتمام ورزیده‌ام، سپس به گسترش نفوذ حاکمیت هادی به سمت جنوب یمن پرداخته‌ام.

فصل سوم را به موضع‌گیری قدرتهای محلی یمن در برابر برپایی دولت زیدی اختصاص داده‌ام. در این فصل از موضع خلافت عباسی در برابر دولت زیدی و مشکلات دربار خلافت که مانع از ارسال نیروهای کمکی برای مردم یمن شد، سخن گفته و بیان

کرده‌ام که چگونه قدرتهای محلی در یمن نقش برجسته‌ای در مقابله با دولت زیدی ایفا کردند؛ مانند بنی یعفر و وابسته آنان یعنی آل طریف که برای حفظ حکومت خود به جنگ هادی رفتند. همچنین جایگاه دعوت اسماعیلیه در یمن و شرایطی که به پیروزی آن کمک کرد مورد توجه نگارنده بوده است و سپس از درگیری میان اسماعیلیان و زیدیان برای تصاحب امامت و حکومت و مبارزه امام هادی با آنان سخن رفته است.

فصل چهارم شامل مذهب زیدی در یمن و موضع مذاهب اسلامی در برابر آن است. در این فصل به مذهب زیدی که زید بن علی آن را بنیان گذاشت و امام هادی، یحیی بن حسین آن را در یمن تبلیغ کرد، پرداختم و مبانی اصلی این مذهب و پیوند آن با دیگر مکاتب فقهی و کلامی را تبیین کردم و به دیدگاههای ویژه امام هادی در موضوع امامت و نوآوریهای او در مذهب زیدی عنایت داشتم. در پایان به اختصار از مذاهب اهل سنت رایج در یمن و موضع آنان در برابر مذهب زیدی سخن گفتم.

همچنین به دعوت اسماعیلیه و موضع آن در قبال مذهب زیدی توجه داشتم و توضیح دادم که چگونه دعوت اسماعیلیه پس از پیروزی علی بن فضل، رئیس اسماعیلیه، بر دولتهای کوچک سنی و رهبران منطقه‌ای به تهدیدی جدی و مستقیم برای دولت زیدی تبدیل شد و جز دولت زیدی مخالف دیگری جلودار اسماعیلیان نبود؛ از این رو نبردها میان این دو گروه درگرفت.

امام هادی توانست مرزهای حکومت خود را پاس دارد. پس از وفاتش، مذهب زیدی هادوی همچنان گسترش یافت و در دولت زیدی سیطره داشت.

در پایان برای شادی روح استاد بزرگوارم؛ دکتر محمد جمال الدین سرور، استاد تاریخ اسلام در دانشکده ادبیات دانشگاه قاهره از خداوند طلب رحمت می‌کنم. او در همه مراحل این پژوهش راهنمای من بود و مرا از توصیه‌های ارزشمند خود بهره‌مند ساخت. خداوند او را مشمول رحمت بی‌کران خود کند و نیکوترین پاداشها دهد.

امیدوارم که در بررسی و ارائه بخشی از تاریخ یمن در پایان قرن سوم هجری توفیق یافته باشم و این اثر گامی در مسیر پژوهش در تاریخ و تمدن اسلام برداشته باشد.

والله ولی التوفیق

حسن خضیری

قاهره / ۱۹۹۶

بررسی منابع

برای عرضه این رساله انبوهی از منابع معتبر و دست اول و پیش از همه منابع تاریخ یمن مورد استفاده قرار گرفته است.

آثار و نوشته‌های امام هادی، یحیی بن حسین قاسم رسی (د ۲۹۸ ق / ۹۱۱ م) از اهمیت زیادی برخوردار است از جمله نسخه عکسی مجموع رسائل الامام الهادی که در دو جزء در دارالکتب مصر موجود است. این مجموعه شامل بسیاری از نامه‌ها، پیام‌هاست که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم از جمله: «جوانب مسألة الحسين بن عبدالله الطبری»، «رسالة بعثها الهادی لأهل صنعاء» که در جواب نامه مردم صنعاء هنگام ورود وی به این شهر تنظیم شده است. همچنین «جواب مسألة النبوة والامامة» و «دعوة الامام الهادی، احمد بن یحیی بن زید» که هنگام حرکت به سوی یمن (در سال ۲۸۴ ق / ۸۹۷ م) نگاشته شده است.

این نامه نه تنها دیدگاه امام هادی را درباره خلافت عباسی که از ضعف و سستی رنج می‌برد، شرح می‌دهد بلکه نظرگاهها و ادله هادی را برای قیام بر ضد عباسیان به تصویر می‌کشد.

همچنین کتاب مجموع رسائل... دربردارنده رساله‌هایی در موضوع عدل و توحید است که به همت دکتر محمد عمارة تحقیق و منتشر شده است (مؤسسه دارالهلل، ۱۹۷۱ م).

اهمیت این رساله‌ها از آن روست که به مسائل اعتقادی پرداخته است و التزام مؤلف را به قرآن و نظریات دینی نشان داده است همچنان که دیدگاه هادی را در شوریدن بر خلافت عباسی و حاکمان ستمگر بیان می‌کند.

کتاب دوم هادی «الأحكام فی الحلال والحرام» است که نسخه عکسی آن در دارالکتب مصر و نسخه خطی آن در کتابخانه جامع کبیر صنعاء موجود است. این کتاب از مهمترین منابع قانونگذاری در فقه زیدی با گرایش هادوی است. این کتاب مرا برای

شناخت دستورات فقهی و احکامی که هادی در حکومت خود به اجرا درآورده است، یاری رساند.

از دیگر منابع مورد استفاده من کتاب «سیره الامام الهادی الی الحق یحیی بن الحسین» تألیف علی بن محمد بن عبیدالله العباس علوی است. پدر نویسنده، محمد بن عبیدالله به همراه امام هادی در ۲۸۴ ق / ۸۹۷ م به یمن درآمد و از پیروان برجسته او بود. فرزند وی، علی به او پیوست و از نزدیک شاهد حوادث بود و مشاهدات خود را از آنچه در دولت زیدیان می‌گذشت مانند خاطرات روزانه ثبت می‌کرد. گرچه در این کتاب از فضایل و کرامات منسوب به امام هادی سخن رفته است و مؤلف در درگیری‌های هادی با قبایل گوناگون جانب وی را گرفته است با این همه نویسنده کتاب تصویری روشن از زندگی هادی، توفیق او در تأسیس حکومت زیدیان، موضع‌گیری او در برابر قبایل رقیب و مخالف و نیز درگیری زیدیان با اسماعیلیان و اهل سنت بر سر حاکمیت بر صنعا؛ ارائه کرده است.

کتاب سیره الامام الهادی که به کوشش سهیل زکار در بیروت در سال ۱۹۷۲ م به چاپ رسید از مهمترین منابعی است که در بخشهای این کتاب از آن بهره برده‌ام. کتاب در قلمرو زمانی موضوع بحث، آگاهیهای مهم تاریخی را دربر دارد و اولین کتابی است که تاریخ دولت زیدیان یمن در عصر امام هادی را به تحریر درآورده است و بدین صورت مرجعی برای مورخان پس از وی شده است.

کتاب الاکلیل نوشته حسن بن احمد بن یعقوب همدانی معروف به نسابه و ابن حائک (د ۳۳۴ ق / ۹۴۵ م) به طور کلی از مهمترین کتابهای تاریخ یمن محسوب می‌شود. این کتاب در ده جزء بوده است که تنها چهار جزء آن به چاپ رسیده است. و باقی بخشها و دیگر آثار مؤلف از میان رفته است. بخش اول کتاب الاکلیل نسبهای قبيله خولان و بخش دوم نسبهای حمیر را دربر گرفته است. این دو بخش در قاهره در مطبعه السنة المحمدية در سالهای ۱۹۶۳، ۱۹۶۶ م به کوشش قاضی محمد بن علی الاکوع به چاپ رسیده است. بخش هشتم از کتاب از کاخها، پارچه‌های رنگارنگ، شهرها و گنجینه‌های یمن سخن رانده است. این بخش به کوشش پدرانستاس کرملی در بغداد به سال ۱۹۳۱ م به چاپ رسید و بار دیگر به تحقیق نبیه امین فارس در پرینستون در سال ۱۹۴۰ م انتشار یافت.

بخش دهم کتاب الاکلیل مربوط به انساب همدان و گزارشهای قابل توجه از این قبيله است. این بخش به تحقیق محب الدین خطیب در چاپخانه سلفیه در قاهره در سال

۱۹۶۸ به چاپ رسیده است.

نسب نگاری بر نگارش همدانی غلبه دارد. وی برخی از گزارشهای تاریخی را در مقایسه با انساب به نقد می‌کشد و از سوی دیگر نسبت به قحطانیان تعصب می‌ورزد. بنا به گفته محی‌الدین خطیب، همدانی تا آنجا که به وابستگی او به همدان و یمن مربوط نمی‌شود، می‌کوشد اخبار و حقایق را به درستی ثبت کند. بنا به گزارشهای کتاب الاکلیل به ویژه آنجا که درباره درگیری در قبیله خولان در قرن دوم و سوم هجری سخن رفته است، همدانی دولت زیدیان در یمن را دولتی بیگانه تلقی می‌کند. من از این کتاب در بررسی برخی از عواملی که زمینه ساز برپایی دولت زیدی بود، استفاده کردم.

کتاب دوم همدانی به نام صفة جزيرة العرب پرآوازه‌ترین تألیف او پس از الاکلیل است. این کتاب حاوی اطلاعات مهمی از شهرهای یمن، قبایل، کوهها، دره‌ها، تپه‌ها، دژها، محصولات زراعی و صنعتی است و به ضبط نامهای مناطق و تیره‌های قبایل اهتمام دارد. این رساله برای شناسایی شهرها و نواحی گوناگون یمن از این کتاب بهره‌مند بوده است. این کتاب اول بار در مطبوعه بریل در لیدن هلند در سال ۱۸۸۴ م به کوشش مولر (Moller) به چاپ رسید و شیخ محمد بن عبدالله بن بلهید بار دیگر این کتاب را در ۱۳۷۳ق / ۱۹۵۳ م به طبع رساند و بالأخره قاضی محمد بن علی اکوع به سرپرستی استاد حمد الجاسر در سال ۱۹۸۳ م به تحقیق و نشر آن اقدام کرد.

کتاب سوم همدانی موسوم به الجوهرتین العتیقتین از فلز طلا و نقره و چگونگی پرداخت آنها بحث می‌کند. کتاب به همت کریستوفر تول (Christopher toll) تحقیق و در سال ۱۹۶۸ م در سوئد به چاپ رسید و وزارت فرهنگ و تبلیغات یمن چاپ آن را تجدید کرد و ترجمه کتاب به عربی زیر نظر دکتر یوسف محمد عبدالله در صناعا به سال ۱۹۸۵ م انجام پذیرفت. به رغم کمی آگاهیهای تاریخی در این کتاب من از آن استفاده کردم به خصوص آنجا که از علل درگیری میان امام هادی و اسعد بن ابی یعفر بر سر معادن نقره در وادی رضراض سخن رفته است.

از کتابهای شرح احوال زیدیان که به دست ما رسیده است، کتاب المصاییح تألیف احمد بن ابراهیم بن حسن (د ۳۵۲ق / ۹۶۵ م) نام دارد که نسخه عکسی آن در دارالکتب مصر موجود است و تراجم امامان زیدی و مبلغان آنان را تا زمان امام ناصر اطروش دربردارد و من از اطلاعات کتاب درباره امام هادی، حرکت وی به سوی یمن و تأسیس دولت زیدی و جنگهای او با اسماعیلیان سود جستیم.

کتاب نصره مذاهب الزیدیه نوشته امام المؤید بالله احمد بن حسین بن هارون حسنی

(د ۴۱۱ ق / ۱۰۲۰ م) شامل مهمترین عقاید زیدیه و دیدگاههای ایشان درباره امامت است. این کتاب مرا در بررسی و مطالعه اصول مذهب زیدیه یاری رساند. نسخه‌ای عکسی این کتاب در معهد احیاء المخطوطات العربیة در قاهره موجود است.

از منابعی که استفاده کردم کتاب تاریخ الیمن موسوم به المفید فی تاریخ صنعا و زید تالیف نجم الدین ابی محمد عمارة بن ابی الحسن حکمی یمنی در (۵۶۹ ق / ۱۱۷۴ م) است. عماره اخبار پیش از زمان خود را از کتاب المفید فی اخبار زید جیاش بن نجاح^۱ (۴۹۸ ق / ۱۱۰۵ م) یکی از حاکمان دولت بنی نجاح در تهامه برگرفته است. کتاب جیاش از کتابهای ناپیدا است و مطالبی که عماره از این کتاب نقل کرده است مبنای اطلاعات تاریخی است که مورخان بعدی مانند جندی و خزرچی و ابن دبیب و بامخرمه و دیگران از وی نقل کرده‌اند. این کتاب مرا درباره دولتهای کوچکی که در قرن سوم هجری به ویژه دولت زیدیه در یمن برپا شد، کمک رسانده است.

هانری کاسل کای (H.C.Kay) خاورشناس انگلیسی کتاب عماره یمنی را در لندن در سال ۱۸۹۲ م به چاپ رساند و دکتر حسن سلیمان محمود مقدمه کای (Kay) را ترجمه و همراه تعلیقات عربی بار دیگر در ۱۹۷۵ م به چاپ رساند. قاضی محمد بن علی اکوع کتاب را بار دیگر تحقیق و در ۱۹۶۷ در قاهره به طبع رساند.

لازم است که از کتاب الافاده فی تاریخ الأئمة السادة تألیف امام الناطق بالحق ابوطالب یحیی بن حسین هارونی بطحانی (در ۴۲۴ ق / ۱۰۳۲ م) یاد کنیم. این کتاب از مهمترین شرح حالهای امامان زیدی به شمار می‌آید و بر کتاب سیرة الامام الهادی، کتاب الهادی و تاریخ دعوت و مصنفات وی بسیار تکیه کرده است. نسخه خطی الافاده در کتابخانه برلین موجود است.^۲

کتاب «الحدائق الوردیة فی مناقب ائمة الزیدیة» تألیف حسن حسام الدین حمید بن احمد محلی (د ۶۵۲ ق / ۱۲۵۴ م) از منابعی است که تاریخ امامان زیدی در شهرهای گیلان، دیلم و یمن را نگاشته است. حمید محلی بیشترین کتاب الافاده امام الناطق بالحق را نقل کرده است همانگونه که از کتاب مقاتل الطالبین ابوالفرج اصفهانی نقل قول کرده است. کتاب در دو بخش تهیه شده است بخش اول با سیره امام علی بن ابی طالب و فرزندانش

۱. نصیرالدین ابوالطامی جیاش بن نجاح پادشاه زید (د ۴۹۸ ق / ۱۱۰۵ م) سومین پادشاه از خاندان بنی نجاح در زید است و عماره در تاریخ خود بیشتر کتاب جیاش را آورده است (با مخرمه: تاریخ ثغر عدن، ج ۲، ص ۴۷؛ ایمن فؤاد حسن سید: مصادر تاریخ الیمن فی العصر الاسلامی، ص ۹۷).

۲. میکرو فیلم نسخه خطی برلین در کتابخانه شخصی دکتر ایمن فؤاد سید موجود است.

حسن و حسین و محمد نفس زکیه و برادرش ابراهیم شروع می‌شود و با شرح حال امام محمد بن ابراهیم طباطبا پایان می‌پذیرد. بخش دوم با ترجمه قاسم بن ابراهیم رسی و یحیی بن حسین و سفر اول او به طبرستان آغاز می‌شود. این کتاب از منابع مهم تاریخ زیدیه به شمار می‌آید و نسخه عکسی آن در دارالکتب مصر موجود است و نسخه عکسی دیگری از آن به همت یوسف بن سید محمد مؤید حسنی تهیه شده است (دمشق، ۱۹۸۵م).

از دیگر منابع مهم تاریخ یمن کتاب السلوک فی طبقات العلماء والملوک ابو عبدالله بهاءالدین محمد بن یعقوب جندی سکسکی کندی (د ۷۳۴ ق / ۱۳۳۴ م) است. مؤلف کتاب خود را به دو بخش تقسیم کرده است که بخش اول آن تراجم عالمان و فقیهان و امثال ایشان را دربر دارد.

اما بخش دوم شامل زندگینامه بسیار موجزی از عاملان پیامبر (ص) و خلفای راشدین است که به یمن فرستاده شده‌اند، سپس از کارگزاران خلفای اموی و عباسی و دولت بنی زیاد و بنی یعفر یاد شده است و آن گاه از اسماعیلیان در یمن سخن گفته شده است تا آنکه کتاب را با شرح حال علی بن فضل و اولاد منصور الیمن به پایان برده است. جندی بر کتاب طبقات فقهاء الیمن ابن سمره و کتاب تاریخ صنعاء ابوالعباس احمد بن عبدالله رازی (د ۵۰۰ ق / ۱۱۰۶ م) و کتاب کشف اسرار الباطنیه محمد بن مالک حمادی (زنده در میانه قرن پنجم هجری)، اعتماد کرده است. جندی آگاهیهای خود بی آنکه به باب و فصل تنظیم کند، بیان کرده است. قاضی محمد بن علی اکوع در ۱۹۸۳ م به تحقیق و نشر این کتاب اقدام کرده است.

از منابع مورد استفاده من، کتاب بهجة الزمن فی تاریخ الیمن تألیف تاج الدین عبد الباقي بن عبدالمجید یمانی (د ۷۴۳ ق / ۱۳۴۲ م) است که از همعصران جندی بوده است. او کتاب خود را از زمان رسول اکرم (ص) آغاز کرده است و سپس تا حوادث زمان خود ادامه داده است. شهاب الدین نویری در جلد ۳۱ از کتاب نهایة الارب فی فنون الادب فصلی از کتاب را آورده است. استاد مصطفی حجازی مختصر شده کتاب توسط نویری را در ۱۹۶۵م با نام تاریخ الیمن المسمی بهجة الزمن فی تاریخ الیمن منتشر ساخت. این مأخذ آگاهیهای ارزشمند تاریخی از والیان عباسی در یمن و دولت زیادیان و بنی یعفر و متحدانشان در اختیار ما گذاشت همچنین اطلاعات مهمی از امام هادی و جنگهای او با بنی یعفر و متحدانشان و نیز اخبار علی بن فضل و منصور الیمن به دست داده که در فصلهای این رساله از آن استفاده شده است.

از منابع مهمی که از آن بهره برده‌ام کتاب الکفایة الاعلام فیمن ولی الیمن وسکنها من ملوک الاسلام تألیف ابن حسن علی بن حسن خزرجی (د ۸۱۲ ق / ۱۰۰۹ م) است. وی به سبب مهارت در نگارش تاریخ، شرح حال و انساب از مورخان برجسته یمن به شمار می‌آید.

این کتاب شامل پنج باب است که تنها باب چهارم و پنجم آن باقی مانده است و بابهای دیگر از میان رفته است. باب چهارم در ده فصل است و از پادشاهان صنعا و عدن سخن رانده است اما باب پنجم از زبید و پادشاهان و امیران و وزیران آن یاد می‌کند و به دوازده فصل تقسیم شده است.

پنج فصل از باب چهارم این کتاب توسط راضی دغفوس تحقیق و با عنوان الیمن فی عهد الولاة در مجموعه انتشارات دانشگاه تونس در ۱۹۷۹ م به چاپ رسیده است.

گزارشهای خزرجی از تاریخ یمن برگرفته از مورخانی چون ابن جریر صنعانی،^۱ رازی، عماره، ابن سمره، جندی و ابن عبدالمجید و دیگران است. فصل پنجم کتاب که از کارگزاران عباسیان در بلاد یمن تا سال ۲۹۳ ق یاد می‌کند اطلاعات کافی در اختیار من گذاشت همچنین از حواشی و توضیحات محقق کتاب درباره برخی از وقایع یاد شده در متن کتاب بهره فراوان بردم.

از مآخذ مهم تاریخ یمن می‌توان به کتاب قرّة العیون فی اخبار الیمن المیمون تألیف ابو عبدالله عبدالرحمن بن علی دبیع شیبانی زبیدی (د ۹۴۴ ق / ۱۵۳۳ م) است. این کتاب تاریخ یمن را از آغاز دوره اسلامی تا سال ۹۲۳ ق / ۱۵۱۷ م دربر دارد و مؤلف کتاب را به سه باب تقسیم کرده است، باب اول در اخبار یمن و کسانی که بر صنعا و عدن حکم راندند. باب دوم درباره شهر زبید و امیران، پادشاهان و وزیران آن است. باب سوم تنها به ذکر دولت طاهری پرداخته است.

باب اول این کتاب آگاهیهای تاریخی بسیاری درباره عمال عباسیان در یمن، آغاز ظهور دعوت اسماعیلیان در شهرهای یمن دارد که من از آنها بهره بردم. ابن دبیع از مورخان پیش از خود مانند عماره، ابن سمره، جندی، ابن عبدالمجید، خزرجی، اهدل و دیگران نقل کرده است و گزارشهای او بیشتر با گزارشهای خزرجی مطابقت دارد. این

۱. اسحاق بن جریر صنعانی از عالمان سده چهارم هجری و صاحب کتاب تاریخ صنعا الیمن. این کتاب از مآخذ جندی است. جندی می‌گوید: «اسحاق بن جریر به اسود بن عوف برادر عبدالرحمن بن عوف نسب می‌برد. تألیفی با نام تاریخ صنعا دارد که کتابی کم حجم و پرفائده است. (جندی، سلوک، ۱ / ۹۲، ۹۳؛ ایمن فؤاد سید، مصادر تاریخ الیمن، ص ۸۷).

کتاب به تحقیق قاضی محمد بن علی اکوع در قاهره در سال ۱۹۷۱ م منتشر شد. ابن دبیب کتاب دیگری دارد به نام بغیة المستفید فی اخبار مدینة زید از آغاز تأسیس شهر زبید در ۲۰۴ ق / ۸۱۹ م تا پایان قرن نهم هجری سخن می‌گوید و دارای یک مقدمه و ده باب است.

کتاب دیگر انباء الزمن فی تاریخ الیمن تألیف یحیی بن حسین بن قاسم بن محمد (د ۱۱۰۰ ق / ۱۶۸۸ م) است که به ترتیب سال تنظیم شده است و تا سال ۱۰۴۶ ق / ۱۶۱۷ م کتاب به پایان رسیده است. بخش اول کتاب که وقایع سال ۲۸۰ ق تا ۳۲۲ ق را دربر دارد به کوشش محمد عبدالله ماضی در برلین (لایپزیک) در سال ۱۹۳۶ منتشر شد. از آنجا که این بخش مربوط به دوره بحث ماست به آن مراجعه شده است. شایان ذکر است که مؤلف از مورخان یمن و مورخان زبیدیه نقل کرده است و از مآخذ اساسی به شمار می‌آید.

کتاب دوم مؤلف عقلیة الدمن المختصر من انباء الزمن مشهور به غایة الأمانی فی اخبار القطر الیمانی نام دارد. این کتاب تاریخ عمومی یمن است و به شیوه سال نگار تنظیم شده است و من در بحث موضع‌گیری خلافت عباسی نسبت به دولت زبیدیه از این کتاب بهره‌های فراوانی بردم. کتاب به تحقیق سعید عبدالفتاح عاشور در دو بخش در قاهره به سال ۱۹۶۸ م به چاپ رسید.

از دیگر آثار یحیی بن حسین، کتاب طبقات الزبیدیه مشهور به المستطاب والطبقات الزهر فی اعیان العصر است که بی تردید جامع‌ترین کتاب طبقات زبیدیه محسوب می‌شود. وی بر تألیفات زبیدیان پیش از خود تکیه کرده است و کتابش شامل تاریخ مذهب زبیدیه در یمن و شرح حال بزرگان زبیدی است همچنین تصویری از حیات فکری در یمن و مناظره‌های میان عالمان را به نمایش گذاشته است.

اما کتاب اللطائف السنیة فی اخبار الممالک الیمنیة نوشته محمد بن اسماعیل کبسی صنعانی (د ۱۳۰۸ ق / ۱۸۹۱ م) به رغم اطلاعات مختصری که از حکومت زبیدیه ارائه می‌دهد، مزایایی نیز دارد. گفتنی است که جانبداری مؤلف از زبیدیه در کتاب نمایان است و از دو کتاب سیرة الامام الهادی و انباء الزمن بهره بسیار برده است. نوۀ مؤلف، سید عبدالله بن محمد بن عبدالله کبسی نسخه خطی کتاب را در ۱۹۸۴ م به چاپ رساند.

از دیگر منابع تاریخ اسلام که مورد استفاده قرار گرفته است کتاب تاریخ الامم والملوک طبری (د ۳۱۰ ق / ۹۲۳ م)، مروج الذهب و معادن الجوهر مسعودی (د ۳۴۶ ق / ۹۵۶ م) الکامل فی التاریخ ابن اثیر (د ۶۳۰ ق / ۱۲۳ م) و تاریخ ابن خلدون (د ۸۰۸ ق / ۱۴۰۵ م) که همگی از منابع اصلی است و هیچ پژوهشگری از آنها بی‌نیاز نیست. من از این منابع

برای بررسی وضعیت خلافت عباسی و موضع‌گیری آن نسبت به دولت زیدیان سود جستیم.

همچنین کتابهای ملل و نحل و عقاید آگاهیهای پر قیمتی برای من داشت و اشاره‌های تاریخی این کتابها پر فایده بود. برجسته‌ترین اینها، کتاب فرق الشيعة ابو محمد حسن بن موسی نوبختی (د ۳۱۰ ق / ۹۲۴ م)، کتاب مقالات الاسلاميين ابوالحسن اشعری (۳۲۴ ق / ۹۳۶ م) کتاب شرح عيون المسائل حاکم جشمی (د ۴۹۴ ق / ۱۱۰۱ م) و کتاب الملل والنحل شهرستانی (۵۴۸ ق / ۱۱۵۳ م) بود.

علاوه بر این، از کتابهای ادبی نیز فراوان سود بردم که مهمترین آنها: الحور العين تألیف ابن سعید نشوان حمیری (د ۵۷۳ ق / ۱۱۷۸ م) است. مؤلف از فرقه‌های شیعه، زید بن علی، آغاز گسترش دعوت اسماعیلیه در یمن یاد کرده است.

من در فصل چهارم کتاب از این مأخذ بسیار استفاده کردم. از مأخذی که در فصول مختلف کتاب از آنها استفاده شده است، می‌توان به کتاب تاریخ الیمن الاسلامی احمد بن احمد بن محمد مطاع به تحقیق عبدالله محمد حبشی و کتاب المقطف من تاریخ الیمن قاضی عبدالله بن عبدالکریم جرافی و بخش اول از کتاب ائمة الیمن محمد بن محمد زیاره حسنی و کتاب بلوغ المرام فی شرح مسک الختام فیمن تولی ملک الیمن من ملک و امام حسین بن احمد زیدی عرشی اشاره کرد.

طبیعی است که از مراجعه به پژوهشهای جدید دربارهٔ یمن غفلت نورزیدم، چه این پژوهشها از سوی محققان عرب مانند قاضی محمد بن علی اکوع که پیشگام در تحقیق آثار فراوانی از نسخه‌های خطی مربوط به یمن بوده است، عبدالله محمد حبشی، احمد حسین شرف الدین، دکتر محمد عبدالله ماضی، دکتر حسین همدانی، دکتر حسن سلیمان محمود، دکتر محمد جمال الدین سرور، دکتر محمد امین صالح، دکتر عصام الدین عبدالرؤف، دکتر محمد عبدالعال احمد و دکتر ایمن فؤاد سید ارائه شده باشد و چه از جانب خاورشناسان انجام پذیرفته باشد مانند هنری کاسل کای (H.C.Kay) ویلفرد مادلونگ (W. Madelung) در پژوهش عالمانه خود دربارهٔ امام قاسم بن ابراهیم رسی و ارتباط وی با معتزله (این کتاب به زبان آلمانی در سال ۱۹۶۵م در برلین به چاپ رسیده است) و نیز تریتون (A.S. Tritton) که کتابی به نام (Muslim Theology) درباره فرق اسلامی نگاشته است که وامدار همه آنان هستیم.

فصل اول

وضعیت سیاسی یمن پیش از حکومت زیدیان

۱. شهرهای یمن در پایان عصر والیان عباسی

با برآمدن عباسیان، شهرهای یمن به زیر سیطره خلافت عباسی رفت و والیان عباسی از پی یکدیگر به یمن آمده و مرکز قدرت خود را صنعا قرار دادند.^۱ اما به جهت نهضت‌های علوی،^۲ ناآرامی شهرهای یمن را فرا گرفته بود. دعوت محمد بن ابراهیم مشهور به ابن طباطبا^۳ که در جمادی الاخر ۱۹۹ ق / ۸۱۵ م بر مأمون شورید، علنی شد.^۴ وی مردم را به «الرضا من آل محمد و عمل به کتاب و سنت»^۵ دعوت می‌کرد. فرمانده لشکرش ابوالسرایا سری بن منصور شیبانی در گسترش دعوت نقش بسزایی داشت و بر کوفه دست یافت.^۶ شیعیان کوفه دعوت ابن طباطبا را پذیرفتند و با او بیعت کردند^۷ و ملقب به «امیرالمؤمنین» شد.^۸ بر درهمهایی که ضرب کرد آیه «ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفاً كأنهم بنیان مرصوص» نقش بسته بود.^۹ ابن طباطبا، برادرش قاسم بن ابراهیم را برای گسترش

۱. محمد جمال الدین سرور: النفوذ الفاطمی فی جزيرة العرب، (قاهره، ۱۹۶۴)، ص ۶۱.

۲. طبری: تاریخ الامم والملوک (دارالمعارف، قاهره)، ۵۲۸/۸.

۳. ابن طباطبا، محمد بن ابراهیم بن اسماعیل بن ابراهیم بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب (ابن حزم اندلسی): جمهرة انساب العرب، (قاهره، ۱۹۷۱)، ص ۴۳؛ محلی، حسن حسام الدین (د ۶۵۲ ق): الحدائق الوردية فی مناقب ائمة الزيدية، نسخه عکسی (دمشق، ۱۹۸۵)، ۱/ ۱۹۷.

۴. ابن خیاط: تاریخ خلیفه ابن خیاط، تحقیق اکرم ضیاء العمری (نجف، ۱۹۶۷)، ۲/ ۵۰۶.

۵. طبری: همان، ۵۲۸/۸؛ اصفهانی، ابوالفرج: مقاتل الطالبیین، تحقیق احمد صقر (دارالمعرفة، بیروت)، ص ۵۲۳؛ ابوالفداء: المختصر فی اخبار البشر (المطبعة الحسينية، قاهره)، ۲/ ۲۱.

۶. ابن قتیبه: المعارف، تحقیق ثروت عکاشه (مطبعة دارالکتب، قاهره، ۱۹۶۰)، ص ۳۸۷؛ ابن اثیر: الکامل فی التاريخ (دار صادر، بیروت)، ۶/ ۳۰۴. ۷. اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۵۲۳؛ محلی، الحدائق الوردية، ۱/ ۲۰۰.

۸. ابن عنبه، جمال الدین احمد: عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب (نجف، ۱۹۶۱)، ص ۱۷۲.

۹. مقدسی، مطهر بن طاهر: البدء والتاریخ (پاریس، ۱۹۱۹)، ۶/ ۱۹.

دعوت و بیعت گرفتن به مصر فرستاد^۱ و ابراهیم بن موسی را به عنوان داعی خود به یمن گسیل داشت.^۲

زمانی که ابراهیم بن موسی به صعده^۳ درآمد، بی درنگ بنو ابی فطیمة^۴ از صحار بن خولان، یعلی بن عمرو بن یزید بزرگ بنی سعد، بنو شهاب و حمیر به او پیوستند. قبیله اکیل^۵ و هم پیمانان آن با وی از در صلح درآمدند لیکن چندی نگذشت که ابراهیم بن موسی بزرگان ایشان را گوشمالی داد. ابناء^۶ نیز که پیوسته با شهبان جنگ و ستیز داشتند به ابراهیم پیوستند.^۷ و بدین ترتیب ابراهیم بن موسی به حمایت از بنی فطیمة برخاست و به سرکوب اکیلیان که حامی خلافت عباسی بودند پرداخت.^۸

ابراهیم بن موسی در رأس گروهی از علویان به سوی یمن حرکت کرد.^۹ والی یمن از سوی مأمون، اسحاق بن عیسی بود که با شنیدن خبر آمدن ابراهیم رغبتی برای جنگ نشان نداد^{۱۰} و یمن را به سوی مکه ترک کرد^{۱۱} و پسر عموی خود قاسم بن اسماعیل را به جای خود گمارد.^{۱۲}

۱. محلی، همانجا.

W. Madelung: "Der Imam al-Qasim Ibn Ibrahim and die Glaubelehre der Zaiditen, (Berlin, 1965) P. 84.

۲. ابن دبیع، عبدالرحمن بن علی (د ۹۴۴ق): قره العیون فی اخبار الیمن المیمون، تحقیق محمد بن علی الاکوع (المطبعة السلفية، قاهره)، ص ۱۴۴.

۳. صعده: شهری در منطقه خولان و در جاهلیت «جماع» نام داشت. تاجران از هر سو به این شهر می آمدند و در آن دباغ خانه ها بود. همدانی، ابو محمد حسن (د ۳۲۴ق): صفة جزيرة العرب، تحقیق محمد بن علی الاکوع، (بیروت، ۱۹۸۳، ط ۳)، ص ۱۱۵، ۱۱۶؛ حموی، یاقوت: معجم البلدان، ۳/ ۴۰۶.

۴. بنو فطیمة: قبیله ای از قبایل صعده از خولان، فطیمیان از نسل سعد بن حاذر بن صحار بن خولان و از مشهورترین قبایل خولان هستند (همدانی، الاکیل، ۱/ ۳۲۶-۳۲۷). ۵. همدانی، الاکیل، ۲/ ۱۳۱.

۶. ابناء بازماندگان سپاه ایرانیان بودند که همراه سیف بن ذی یزن حمیری به یمن درآمدند و نام ابناء به خود گرفتند زیرا وقتی درباره ایشان از سیف بن ذی یزن سؤال شد، او پاسخ داد: ایشان فرزندان من هستند از این ابناء نام گرفتند. وجه دیگر آن است که آنان در یمن همسرگزیدند و فرزندان بهم زدند از این رو فرزندان و نوه های ایشان را ابناء گفتند. ایشان در جامعه یمنی جذب شدند و هنوز گروهی از ایشان در دو روستای «فرس» و «انباء» از استان «سر» در شمال شرقی صنعا زندگی می کنند (محمد بن علی الاکوع: الوثائق السیاسة (بغداد، ۱۹۷۶)، ص ۳۷).

۷. همدانی، همان، ۱/ ۴۱۶. ۸. همان، ۱/ ۳۲۸.

۹. طبری، تاریخ الامم والملوک، ۸/ ۵۳۵-۵۳۶؛ اشعری، ابوالحسن: مقالات الاسلامیین، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید (قاهره، ۱۹۶۹)، ۱/ ۱۵۷؛ ابن اثیر، الکامل، ۶/ ۳۱۰-۳۱۱.

۱۰. طبری، همان، ۸/ ۵۳۶.

۱۱. نویری، شهاب الدین احمد بن عبدالوهاب: نهاية الارب فی فنون الادب، تحقیق محمد جابر عبدالعال (الهیئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۸۴)، ۲۲/ ۱۹۶.

۱۲. جندی، ابو عبدالله بهاء الدین محمد بن یوسف (د ۷۳۲ق): السلوک فی طبقات العلماء والملوک، تحقیق محمد بن علی الاکوع (بیروت، ۱۹۸۳)، ۱/ ۱۶.

به نظر می‌رسد که اسحاق بن موسی عباسی، قدرت ابراهیم بن موسی و همبستگی قبایل یمن را با ابراهیم حس کرده بود. همین امر او را واداشت که یمن را ترک کند و ابراهیم بن موسی برای گسترش نفوذ خود در یمن و بهره برداری از درگیری‌های قبیله‌ای فرصت یافت. بنو فطیمة،^۱ ابراهیم را یاری دادند و او صعده را ویران کرد و سد خنق را در این شهر خراب کرد^۲ و علی بن محمد بن عباد، رئیس اکیلیان^۳ را کشت و هر کس از قبایلی که اطاعت او را نپذیرفته بودند به مخالفت او بر می‌خاست از میان بر می‌داشت.^۴ به رغم حمایت گسترده قبایل از ابراهیم، سیاستهای وی به برانگیختن تعصبات انجامید که تأثیر عمیقی بر ضد علویان داشت.

دست اندازی ابراهیم بن موسی به یمن محدود نشد بلکه نفوذ خود را نیز به حجاز گستراند. در سال ۲۰۰ ق / ۸۱۵م در موسم حج فردی از فرزندان عقیل بن ابی طالب را امیر الحاج کرد. زمانی که عقیلی به باغ ابن عامر درآمد اطلاع یافت که معتصم پسر هارون الرشید^۵ سرپرست حاجیان شده است و فرماندهان و لشکریان انبوه به همراه خود دارد. از این رو عقیلی در همان بستان ابن عامر بماند و یارانش غارت و دستبرد به کاروانهای حج را آغاز کردند تا آنجا که بر پرده خانه خدا دست یافتند. معتصم که از این خبر آگاهی یافت^۶ یکی از فرماندهانش را به سرکوبی یمینها گماشت.^۷ بیشتر یمینها دستگیر شدند و پرده خانه خدا و اموال تجار و حجاج بازگردانده شد و یاران ابراهیم بن موسی پس از تحمل انواع شکنجه آزاد شدند و به یمن بازگشتند.^۸ از موانع تحقق آرزوهای ابراهیم بن موسی و ناپایداری او در یمن می‌توان به مواردی چون شکست لشکریان او در حجاز، کشته شدن ابوالسرایا در محرم سال ۲۰۰ ق / ۸۱۵م، پراکنده شدن یاران و پشتیبانی نکردن قبایل یمنی اشاره کرد.^۹ با بحرانی شدن اوضاع در یمن، خلیفه عباسی لشکری به فرماندهی محمد بن

۱. محلی: الحدائق الوردية، ۱ / ۳۲۸؛ جرافی، قاضی عبدالله بن عبدالکریم: المقطف من تاریخ الیمن (بیروت، ۱۹۸۴)، ص ۵۳.

۲. همدانی، الاکلیل، ۱ / ۳۲۸؛ یحیی بن حسین بن قاسم بن محمد بن علی (د ۱۱۰۰ ق): غایة الأمانی فی اخبار القطر الیمنی، تحقیق سعید عبد الفتاح عاشور (قاهره، ۱۹۶۸)، ۱ / ۱۴۸.

۳. همدانی: همانجا؛ یحیی بن حسین: غایة الأمانی، ۱ / ۱۴۸.

۴. محلی: همان، ۱ / ۲۰۴؛ یحیی بن حسین، همان، ۱ / ۱۴۹.

۵. طبری: همان، ۸ / ۵۴۱؛ ابن اثیر، الکامل، ۶ / ۳۱۴؛ ابن خلدون: العبر... (دارالکتب اللبنانی ۱۹۸۳)، ۳ / (۴) ۵۱۹.

۶. نویری: نهاية الأرب، ۲۲ / ۱۹۶.

۷. نویری: تاریخ الامم و الملوک، ۸ / ۵۴۱؛ ابن اثیر: الکامل، ۶ / ۳۱۴.

۸. ابن خیاط: تاریخ ابن خیاط، ۲ / ۵۰۸.

عیسی بن ماهان^۱ به یمن فرستاد. چندین نبرد میان ابن ماهان و ابراهیم بن موسی به وقوع پیوست^۲ و همچنان ابراهیم در میان روستاهای اطراف صنعا در رفت و آمد بود که منشور ولایت یمن از سوی مأمون برای ابراهیم رسید.^۳ ابن ماهان از سپردن حکومت به ابراهیم خودداری کرد و با وی به جنگ برخاست. بسیاری از قبایل یمن به ابن ماهان پیوستند.^۴ میان دو گروه در «جدر» در سال ۲۰۱ ق / ۸۱۶ م جنگ درگرفت^۵ در این جنگ ابراهیم بن موسی شکست خورد و از یمن بیرون رفت.^۶

گویا وقایعی که به سبب بیعت مأمون با علی بن موسی الرضا به ولایت عهدی در سال ۲۰۱ ق / ۸۱۷ م در مرکز خلافت رخ داد،^۷ ابن ماهان را به فکر استقلال در یمن انداخت و مأمون را واداشت تا ولایت یمن را برای ابراهیم بن موسی بنویسد^۸ اما احساس دشمنی مردم یمن نسبت به ابراهیم بن موسی به ناامنی در یمن انجامید از این رو ابراهیم از خلیفه مأمون امان خواست و او امانش داد و گفته شده است که برادرش علی بن موسی الرضا شفاعت او را کرد.

با آنکه ابراهیم بن موسی یمن را ترک کرد و به بغداد کوچید اما روابط خود را با قبیله بنی فطیمه که او را یاری و پشتیبانی کرده بودند، حفظ کرد. این روابط پیوسته ادامه داشت تا آنکه الهادی الی الحق یحیی بن حسین به یمن درآمد و دولت زیدیه را بنیان گذاشت.

آن زمان که ابن ماهان به طمع استقلال یمن افتاد، مأمون عیسی بن یزید جلودی را

۱. نام وی حمدویه بن عیسی بن ماهان ذکر شده است نگاه کنید به: یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب مشهور به ابن واضح (د ۲۸۴ ق): تاریخ الیعقوبی (مطبعة الغری، نجف، ۱۳۵۸ ق)، ۱۷۷/۳؛ کبسی، محمد بن اسماعیل (د ۱۳۰۸ ق): اللطائف السنیة فی اخبار الممالک الیمنیة، نسخه چاپی (صفاء ۱۹۸۴)، ص ۹؛ جرافی: المقتطف، ص ۵۳ در منابع دیگر نام وی را محمد بن عیسی بن ماهان یاد کرده است: ابن عبد المجید، تاج الدین عبد الباقي بن عبد المجید یمانی (د ۷۴۳ ق): تاریخ الیمن المسمی بهجة الزمن فی التاریخ الیمن، تحقیق مصطفی حجازی (قاهره ۱۹۶۵)، ص ۲۴؛ جندی: السلوک، ۲۱۶/۱؛ خزرجی، ابوالحسن علی بن حسن ابی بکر بن حسن خزرجی انصاری (د ۸۱۲ ق): الیمن فی عهد الولاة، تحقیق راضی دغفوس برای فصل های پنجگانه اول از کتاب الکفاية و الاعلام، (منشورات الجامعة التونسیة، ۱۹۷۹)، ص ۹۷؛ ابن دبیع: قرة العیون، ص ۱۴۶.

۲. ابن عبد المجید: بهجة الزمن، ص ۲۴، خزرجی: الکفاية و الاعلام، ص ۹۷، ۹۸.

۳. ابن دبیع: قرة العیون، ص ۱۴۶. ۴. همدانی: الاکلیل، ۱ / ۱۳۲.

۵. ابن دبیع: قرة العیون، ص ۱۴۴.

۶. یعقوبی: تاریخ الیعقوبی، ۱۷۷/۳؛ همدانی، همان، ۱۳۲/۲؛ خزرجی: الکفاية و الاعلام، ص ۹۷.

۷. ابن صباغ، علی بن محمد بن احمد مالکی (د ۸۵۵ ق): الفصول المهمة فی معرفة احوال الأئمة، (المطبعة الحیدریة، نجف)، ص ۳۱-۳۲، ۲۵. A. S Tritton: Muslim The olog, pp. 31-32.

۸. یعقوبی: همانجا.

به عنوان والی یمن به سوی او گسیل داشت.^۱ ابن ماهان با ده هزار جنگجو و همراهی فرزندش عبدالله از صنعا به جنگ جلودی شتافت و در شهر صنعا شکست را پذیرا شد.^۲ جلودی به عراق بازگشت و یکی از مردان خود را به نام حصن بن منهال بر یمن گماشت تا والی جدید ابراهیم بن افریقی شیبانی به یمن رسید.^۳

از آنجا که کارگزار عباسیان در یمن، ابراهیم افریقی، موفق نبود؛ مأمون ولایت یمن را به نعیم بن وضاح ازدی و مظفر بن یحیی کندی سپرد. این دو در سال ۲۰۶ ق / ۸۲۱ م به صنعا رسیدند.^۴ مظفر مدتی در «جند» اقامت گزید و پس از بازگشت به صنعا درگذشت^۵ و نعیم به وضاح به تنهایی والی یمن شد.^۶ در سال ۲۰۷ ق / ۸۲۲ م عبدالرحمن احمد بن عبدالله بن محمد بن عمر بن علی بن ابیطالب در بلاد عک^۷ خروج کرد و مردم را به «الرضا من آل محمد» می خواند.^۸ طبری علت قیام او را بدرفتاری کارگزاران عباسی دانسته است و یادآور شده است که مردم بسیاری با وی بیعت کردند.^۹ مأمون با دریافت خبر قیام عبدالرحمن، دینار بن عبدالله را با لشکری بزرگ با امان نامه‌ای به سوی او فرستاد.^{۱۰} عبدالرحمن امان را پذیرفت و به طاعت مأمون درآمد.^{۱۱} در سال ۲۰۸ ق / ۸۲۴ م محمد بن عبدالله بن محرز مولای مأمون برای مدت کوتاهی والی یمن^{۱۲} شد سپس راهی حجاز شد. در پایان رجب سال ۲۰۹ ق / ۸۲۵ م^{۱۳} اسحاق بن عباس بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس^{۱۴} به ولایت یمن رسید. او بد سیرت بود و به مردم یمن ظلم بسیار کرد.^{۱۵}

۱. خزر جی: همان، ص ۹۸-۹۹. ۲. ابن عبدالمجید: بهجة الزمن، ص ۲۵؛ ابن دبیع: قرة العیون، ص ۱۴۷.
۳. ابن عبدالمجید: همانجا؛ خزر جی: الکفایة والاعلام، ص ۹۹؛ عرش، حسین بن احمد (زنده در قرن ۱۴ ق): بلوغ المرام فی شرح مسک الختام فیمن تولى ملک الیمن من ملک و امام (قاهره، ۱۹۳۹)، ص ۱۲.
۴. خزر جی: الکفایة والاعلام، ص ۱۰۰.
۵. ابن عبدالمجید، همان، ص ۳۲.
۶. خزر جی، همان، ص ۱۰۱.
۷. عک: از قبایل یمن فرزند عک بن عدنان بن عبدالله بن ازد، ابن الغوث، ابن النبت بن مالک بن زید بن کهلان بن حمیر بن سیأ (همدانی: الاکلیل، ۱۰ / ۱-۶).
۸. طبری: تاریخ الامم والملوک، ۵۹۳ / ۸.
۹. ابن تعزی بردی، جمال الدین ابی المحاسن (د ۸۷۴ ق): النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة (قاهره، ۱۹۳۵) ۲ / ۱۸۳.
۱۰. ابن اثیر: الکامل، ۶ / ۳۸۱. ۱۱. یحیی بن حسین: غایة الأمانی، ص ۱۵۲.
۱۲. خزر جی: الکفایة والاعلام، ص ۱۰۱؛ احمد بن احمد بن محمد المطاع، تاریخ الیمن الاسلامی، تحقیق عبدالله محمد الحبشی (بیروت، ۱۹۸۶)، ص ۶۹.
۱۳. ابن عبدالمجید: بهجة الزمن، ص ۳۲.
۱۴. ابن عبدالمجید می گوید: اسحاق بن عباس بن محمد بن علی در رجب سال ۲۰۹ ق / ۸۲۵ م به یمن درآمد و برای او دو ولایت قائل است. شاید ابن عبدالمجید، این اسحاق بن عباس را با اسحاق بن موسی بن عیسی بن موسی بن محمد علی بن عبدالله بن عباس که در ۱۹۸-۱۹۹ ق دو بار به ولایت یمن رسید، اشتباه گرفته است (نگاه کنید: ابن خیاط: تاریخ خلیفة بن خیاط، ۲ / ۵۰۶؛ طبری، تاریخ الامم والملوک، ۵۳۵ / ۸).
۱۵. یحیی بن حسین: غایة الأمانی، ص ۱۵۲؛ مؤلف مجهول: تاریخ الیمن فی الکوفی والفتن، معهدا المخطوطات العربیة، شماره ۹۶۸.

ستم والیان و بی لیاقتی آنان در اداره امور، رهبران قبیله‌ای را به آرزوی زمامداری انداخت. در سال ۲۱۲ ق / ۸۲۷ م احمد بن محمد عُمری^۱ قیام کرد و اطاعت مأمون را رها کرد و بر بیت المال تسلط یافت.^۲ والی بعدی یمن محمد بن عبدالحمید مولای مأمون و معروف به ابو رازی^۳ بود. او توانست بر عُمری چیره شود. یعقوبی می‌گوید:^۴ «او عُمری و گروهی از خاندان او را گرفت و زنجیر بسته به درگاه مأمون فرستاد...». وی همچنین صاحب مناخ^۵ از حمیر را فرو مالید و چندی نگذشت که کشته شد.^۶

مأمون پس از شنیدن خبر قتل والی خود و شکست لشکرش، اسحاق بن موسی را به یمن فرستاد. وی در ۲۱۵ ق / ۸۳۰ م به صنعا درآمد و پس از یک سال اقامت در آنجا، درگذشت.^۷ سپس فرزندش یعقوب بن اسحاق^۸ جانشین وی شد. یعقوب سیرتی زشت داشت و یمن صافی او نشد. میان او و مردم صنعا اختلاف افتاد و به جنگ اهل جند و صنعا درآمد و شکست خورد. پس مأمون او را عزل کرد و عبدالله بن عبیدالله بن عباس^۹ را والی یمن کرد. وی در محرم ۲۱۷ ق / ۸۳۲ م^{۱۰} به یمن درآمد و تا مرگ مأمون در ۲۱۸ ق / ۸۳۳ م در آنجا ماند و سپس به عراق بازگشت و بجای خود عباد بن غمر شهابی را گماشت.^{۱۱}

گفتنی است گرچه در دوران مأمون والیان بسیاری بر یمن حکومت راندند و شورشهای متعددی بر ضد حکومت پیا شد اما عهد معتصم رشد استقلال طلبی رهبران محلی فزونی یافت.

معتصم عباسی، عباد بن غمر شهابی را برای دو سال به ولایت یمن منصور کرد^{۱۲}

۱. احمد بن محمد عُمری، نسب به عمر بن خطاب می‌برد و اول کس از ایشان که در زمان مأمون به یمن درآمد محمد عمری مشهور به احمر العین بود سپس داماد ارحب و سفیان شد و از این وصلت قدرت محلی یافت و به ریاست رسید و بدین ترتیب به مبارزه و دشمنی با رئیسان یمنی پرداخت (نگاه کنید به: همدانی: الاکلیل، ۲ / ۱۳۱، تعلیقات اکوع، الاکلیل، ۱۰ / ۱۱۷).
۲. یعقوبی: تاریخ یعقوبی، ۳ / ۱۸۸.
۳. طبری: تاریخ الامم والملوک، ۸ / ۶۱۹.
۴. یعقوبی: همان، ۳ / ۱۸۸.
۵. مناخیان پادشاهان حمیر بودند. آخرین ایشان محمد ذو المثلثه بود. از کسانی که با نام جعفر حکومت کردند جعفر بن ابراهیم بود که ۵۰ سال پادشاهی کرد و پدرش ابراهیم ۳۰ سال پادشاهی کرد (همدانی: صفة جزيرة العرب، ص ۱۹۸ - ۱۹۹)؛ نشوان بن سعید (د ۵۷۳ ق): ملوک حمیر و اقبال الیمن، تحقیق اسماعیل بن احمد جرافی و علی بن اسماعیل مؤید (بیروت، ۱۹۷۸)، ۱۶۷.
۶. زامباور: معجم الأنساب والأسرات الحاكمة فی التاريخ الاسلامی، ترجمه زکی محمد حسن و حسن احمد محمود، (قاهره، ۱۹۵۱)، ۱ / ۱۷۶.
۷. ابن خیاط: تاریخ، ۲ / ۵۱۴؛ جندی، السلوک.
۸. کبس: اللطائف السنیة، ص ۹؛ عرشی: بلوغ المرام، ص ۱۲.
۹. ابن عبدالمجید: بهجة الزمن، ص ۳۳؛ ابن دبیع: قرّة العیون، ص ۱۴۹.
۱۰. خزر جی، همانجا؛ زامباور: همان، ۱ / ۱۷۷.
۱۱. همدانی، الاکلیل، ۱ / ۳۷۲؛ مطاع: تاریخ الیمن الاسلامی، ص ۶۹.
۱۲. خزر جی: الکفایة والاعلام، ص ۱۰۴.

سپس عبدالرحیم بن جعفر بن سلیمان هاشمی را به جای او گمارد. عبدالرحیم در محرم سال ۲۲۱ ق / ۸۳۶ م به صنعا درآمد^۱ و با یعفر بن عبدالرحمن^۲ جنگها کرد، یعفر با دژ استوار و محکمی که در کوه کوکبان نزدیک صنعا داشت، تهدیدی برای سیطره عباسیان به حساب می آید.^۳ یعفر در جنگ با والی عباسی فرزند والی را به اسارت گرفت و او را رها نساخت تا آنکه یعفر را در دستگیری عباد بن غمر شهابی و فرزندانش یاری رساند.^۴

ولایت عبدالرحیم بن جعفر در یمن تا سال ۲۲۵ ق / ۸۳۹ م به درازا کشید^۵ و پس از برکناری جعفر بن دینار - غلام معتصم - جای او را گرفت^۶ و منصور بن عبدالرحمن تنوخی به نیابت از وی در صفر ۲۲۵ ق / ۸۳۹ م به یمن درآمد و با همکاری عبدالله بن محمد بن علی بن عیسی بن ماهان بر یمن حکومت می کرد. هنگامی که معتصم حکومت یمن را به غلام دیگرش ایتاخ ترک^۷ سپرد. منصور تنوخی و عبدالله بن محمد همچنان به کار خود ادامه دادند تا آنکه معتصم در ۲۲۷ ق / ۸۴۲ م درگذشت.^۸ پس از معتصم واثق عباسی بار دیگر ایتاخ را حکم ولایت یمن داد و او ابوالعلاء احمد بن علاء عامری را به نیابت از خود به یمن گماشت. ابوالعلاء تا زمان مرگش در این منصب بماند.^۹

حرکت استقلال طلبانه یعفر بن عبدالرحمن که تهدیدی برای حاکمیت خلافت عباسی در یمن بود، خلیفه واثق را بر آن داشت که یمن را به مولای خود جعفر بن دینار^{۱۰} واگذارد. جعفر در یمن بود تا آنکه خلیفه در پایان ذی الحجه ۲۳۲ ق / ۸۴۷ م درگذشت.^{۱۱} و جانشین وی متوکل عباسی، جعفر بن دینار را ولایت صنعا داد و جعفر پس از یک سال اقامت در صنعا به عراق درآمد و فرزندش محمد را به جای خود گمارد.^{۱۲}

جندی می گوید: «متوکل عباسی در آغاز خلافت، جعفر بن دینار را بر حکومت یمن گمارد سپس حمیر بن حارس را به یمن فرستاد اما نتوانست بر یعفر چیره یابد و

۱. ابن عبدالمجید: بهجة الزمن، ص ۳۳.

۲. در برخی از منابع نام پدر یعفر، عبدالرحمن آمده (همدانی: الاکلیل، ۲ / ۱۷۷ - ۱۸۱، صفة جزيرة العرب، ص ۱۰۶؛ جندی: السلوک، ۱ / ۲۱۹؛ ابن دبیع: قرة العیون، ص ۱۵۳) و در مآخذ دیگر عبدالرحیم آمده است (ابن عبدالمجید: بهجة الزمن، ص ۳۳؛ جرافی: المقتطف، ص ۵۶). خزرچی نام وی را یعفر بن عبدالرحیم (الكفاية والاعلام، ص ۱۰۴) آورده است.

۳. علی محمد زید: معتزلة اليمن، (صنعا، ۱۹۸۱)، ص ۴۲.

۴. همدانی: الاکلیل، ۱ / ۳۷۵. ۵. جندی: السلوک، ۱ / ۲۱۸.

۶. ابن عبدالمجید: همانجا، مطاع: تاریخ اليمن الاسلامی، ص ۶۹.

۷. ابن عبدالمجید، همانجا؛ ابن دبیع، همان، ص ۱۵۲؛ زامباور: معجم الانساب، ۱ / ۱۷۷.

۸. کبسی: اللطائف السنية، ص ۱۰.

۹. خزرچی: الكفاية والاعلام، ص ۱۰۶؛ ابن دبیع: قرة العیون، ص ۱۵۵. ۱۰. خزرچی: همان، ص ۱۰۷.

۱۱. ابن دبیع: همانجا. ۱۲. ابن عبدالمجید: بهجة الزمن، ص ۳۴.

مجبور به بازگشت به عراق شد و بدین ترتیب یعفر بر صنعا و جند و نواحی اطراف استیلا یافت.^۱

خزرجی^۲ به نقل از شریف ادریس^۳ می‌گوید که محمد بن جعفر بن دینار بر منصب خود در یمن بماند تا آنکه ابو احمد موفق طلحه برادر خلیفه معتمد علی الله، ولایت یمن را در سال ۲۵۶ ق / ۸۷۰ م به محمد بن یعفر سپرد.

موقعیت آل یعفر در یمن پس از به خلافت رسیدن منتصر پسر متوکل در سال ۲۴۷ ق / ۸۶۱ م استوار و مستحکم شد زیرا منتصر، یعفر را والی یمن کرد و او تا مرگ خلیفه بر این منصب بود.^۴ حکومت یعفر تا عهد خلافت معتمد عباسی ادامه یافت.^۵

از آغاز زمان خلافت متوکل و پاگرفتن قدرت آل یعفر، نفوذ عباسیان در یمن به سستی گرایید.^۶ بی‌گمان ناتوانی خلافت و سیطره ترکان بر مناصب حکومتی در دوری یمن از مرکز خلافت در جدایی یمن از پیکره خلافت مؤثر افتاد و از نفوذ خلیفگان عباسی در یمن تنها یادى از نام ایشان در خطبه‌ها و نقشی بر سکه‌ها مانده بود.^۷

خلاصه کلام آنکه از میان رفتن وحدت و یکپارچگی یمن از اوایل قرن سوم هجری، عزل و نصبهای فراوان والیان و بی‌توجهی ایشان به اداره امور و از سوی دیگر درگیریهای قبیله‌ای، به شیعه فرصت داد تا آرزوهای خود را در یمن تحقق بخشد.

۲. ظهور حکومت‌های مستقل محلی در یمن

الف) دولت زیدیان

هنگامی که دعوت علویان در شهرهای یمن اوج گرفت، برخی از یمنیان از ترس انجام این نهضت هیأتی به ریاست محمد بن زیاد از فرزندان عبیدالله بن زیاد به نزد مأمون فرستادند.^۸ ابن زیاد مسئولیت سرکوبی علویان را پذیرفت و مأمون نیز او را در ۲۰۳ ق /

۱. جندی: السلوک، ۱/ ۲۱۹.

۲. خزرجی: همانجا.

۳. از مورخان بزرگ یمن در گذشته به سال ۶۱۴ ق (نگاه کنید: ایمن فؤاد سید: مصادر تاریخ الیمن فی العصر الاسلامی، المعهد العلمی الفرنسی للآثار الشرقیة، قاهره، ۱۹۷۴)، ص ۱۳۸.

۴. یحیی بن حسین: غایة الأمانی، ص ۱۶۰؛ کبسی: اللطائف السنیة، ص ۱۱؛ زامباور: معجم الانساب والأسماء الحاكمة، ۱۷۹/۱.

۵. خزرجی: الکفایة والاعلام، ص ۱۱۱؛ اکوع: الوثائق السیاسیة الیمنیة، ص ۲۳۷.

۶. عصام الدین عبدالرؤف: الیمن فی ظل الاسلام، (دار الفکر العربی، قاهره، ۱۹۸۲)، ص ۸۴.

۷. در مجموعه موزه هنر اسلامی در قاهره دو سکه طلا موجود است که در صنعا ضرب شده است یکی از آنها متعلق به سال ۲۸۸ و در عهد حکومت ابتاخ بر یمن است و دومی در سال ۲۸۰ ق ضرب شده است (نگاه کنید: عبدالرحمن فهمی محمد: موسوعة النقود العربیة و علم النیات، (مطبعة دار الکتب، ۱۹۶۵)، ص ۶۰۱، ۶۵۵؛ ر. ک. پیوست‌ها.

۸. ابن خلدون، عبدالرحمن (د ۸۰۸ ق): العبر والدیوان المبتدأ والخبر، تلخیص کای (لندن، ۱۸۹۲)، ص ۱۰۵.

وضعیت سیاسی یمن پیش از حکومت زیدیان ۲۷

۸۱۸ م حاکم یمن کرد. ^۱ عماره یمنی آورده است ^۲ «سبب حکومت ابن زیاد بر یمن از آن رو بود که کارگزار یمن سرکشی و عدم اطاعت اشعریان و عک ^۳ را به مأمون گزارش داد و فضل بن سهل به مأمون توصیه کرد که ولایت یمن را به محمد بن زیاد بسپارد...».

ابن زیاد و یارانش به همراه سپاهی که مأمون برای او تجهیز کرد در ۲۰۳ ق / ۸۱۸ م به جنگ ابراهیم بن مهدی بیرون رفت ^۴ و چون منشور ولایت بر بخشهای تهامه یمن را داشت به سوی یمن رهسپار شد. ^۵ ابن زیاد با مقاومت شدید مردم تهامه که دم از استقلال می‌زدند روبه رو شد ^۶ و توانست آنان را به طاعت درآورد. ^۷ اهل گوید: ^۸ «... همه مردم تهامه خواه ناخواه او را گردن نهادند».

ابن زیاد شهر زبید را در شعبان سال ۲۰۴ ق / ۸۱۹ م بنیان گذاشت ^۹ و حصار بلندی به دور آن کشید ^{۱۰} و پس از آنکه زبید را مرکز حکومت خود قرار داد ^{۱۱} به تحکیم نفوذ خود در اطراف یمن پرداخت. ^{۱۲} والیان را دستور می‌داد که به اطاعت خلافت عباسی درآیند. ^{۱۳} ابن زیاد غلامی داشت جعفر نام که به زیرکی و لیاقت شهره بود. ^{۱۴} ابن زیاد او را

۱. همان، ص ۱۰۶.

۲. عماره، نجم الدین محمد حکمی یمنی (۵۶۹ق): المفید فی تاریخ صنعاء و زبید، تحقیق محمد بن علی اکوع (قاهره، ۱۹۶۷)، ص ۴۱.

۳. اشعریان: قبیله‌ای در یمن از فرزندان اشعر بن ادد بن عمر بن زید بن کهلان بن سبا اکبر و از این قبیله ابو موسی اشعری صحابی رسول خدا (ص) است. عک قبیله یمنی از شاخه‌های ازد (همدانی، الاکلیل، ۱۰ / ۱، ص ۲؛ صفة جزيرة العرب، ص ۸۵).

۴. عماره یعنی: همانجا؛ وصابی، وجیه الدین عبدالرحمن بن محمد (د ۷۸۲ق): الاعتبار فی ذکر التواریخ والأخبار، نسخه عکسی مکتبه جامعه القاهرة، شماره ۲۶۱۳۵ برگ ۱۰۹ الف.

۵. کبسی: اللطائف السنية، ص ۹.

۶. خزرچی: العسجد المسبوک فیمن ولی‌الیمین من ملوک، معهدالمخطوطات العربیة، شماره ۷۳۶ برگ ۳۸ الف؛ کبسی: همانجا. ۸. اهل، ابو عبدالرحمن حسین بن عبدالرحمن (د ۸۸۵ق): تحفة الزمن فی تاریخ سادات الیمین، نسخه خطی در دارالکتب شماره ۷۷۵ (تاریخ تیمور)، میکرو فیلم شماره ۲۱۲۳ برگ ۴۲؛ ابن دبیب: قره العیون، ص ۱۴۷.

۹. جندی: السلوک، ۱ / ۲۲۱؛ یحیی بن حسین: غایة الأمانی، ص ۱۵۱.

۱۰. «زبید، شهری دایره‌ای شکل و شگفت آور به مساحتی معادل نصف روز میان کوه و دریا [دریای احمر] قرار دارد، از جنوب به وادی زبید و از شرق به مقدار مسافت نیم روز به کوه‌های سر به فلک کشیده و دژهای بلند و استوار... و از غرب به مقدار مسافت نیم روز به دریای مواج منتهی می‌شود...» (ابن مجاور، جمال الدین ابوالفتح یوسف بن یعقوب بن محمد دمشقی) (د ۶۹۰ق): صفة بلاد الیمین و مکة وبعض الحجاز، وسمی تاریخ المستبصر، به کوشش اوسکار لوفجرین، ص ۲۲؛ خزرچی: العسجد المسبوک، برگ ۱۲۰ ب؛ ابن دبیب: بغیة المستفید فی تاریخ مدینة زبید، ص ۳۴.

۱۱. ابن خلدون، العبر، (تلخیص کای)، ص ۱۰۵.

۱۲. سرور، محمد جمال الدین: النفوذ الفاطمی فی جزيرة العرب، ص ۶۲.

۱۳. یافعی، صلاح الدین البکری: تاریخ حضر موت السیاسی، (المطبعة السلفية، ۱۳۵۴ق)، ۱ / ۹۲.

۱۴. ابن عبدالمجید: بهجة الزمن، ص ۲۵.

در سال ۲۰۵ ق / ۸۲۰ م به همراه هدایا و اموال فراوان نزد مأمون عباسی فرستاد^۱ و در سال بعد با دو هزار سوار بازگشت^۲ و بدین ترتیب کار ابن زیاد بالا گرفت^۳ و جعفر به حکومت جبال رسید و بنیان شهری را گذاشت که مذیخره^۴ نامیده می‌شد. این شهر دارای جویها و باغهای بزرگ بود.^۵ تا امروز شهرهایی که در حوزه حکومتی جعفر قرار داشته مخالف جعفر نامیده می‌شود.^۶ به گمان زیاد نیرویی که خلیفه مأمون به همراه جعفر مولای ابن زیاد فرستاد، برای تقویت قدرت ابن زیاد و تحکیم پایه‌های حکومت وی در تهامه بود. هنوز یک سال نگذشته بود که عبدالرحمن بن احمد عبدالله علوی در بلاد عک قیام کرد^۷ و مردم را به «الرضا من آل محمد» فرا خواند. خلیفه مأمون، دینار بن عبدالله را به فرماندهی لشکری در سال ۲۰۷ ق به یمن فرستاد^۸ و عبدالرحمن سازش را ترجیح داد.^۹ مدتی نگذشت که قدرت ابن زیاد بالا گرفت و سرزمینهای زیر سلطه او گسترش یافت. عماره یمنی^{۱۰} می‌گوید «قدرت ابن زیاد فزونی گرفت و مناطق جبال و تهامه یکسره به زیر سلطه وی رفت».

مؤلف بهجة الزمن^{۱۱} درباره نواحی زیر نفوذ ابن زیاد می‌گوید «ابن زیاد مالک حضر موت، دیار کنده شحر، مرباط،^{۱۲} ابین، لحج، عدن تا حلی^{۱۳} شد و از مناطق کوهستانی مناطق معافر و جند را در تصرف داشت».

۱. عماره یمنی: المفید...، ص ۴۲؛ ابن دبیع: قره العیون، ص ۳۲۲.
۲. عماره یمنی: المفید...، ص ۴۲؛ ابوالفداء ملک مؤید عماد الدین اسماعیل (د ۷۳۲ ق): المختصر فی اخبار البشر (المطبعة الحسینیة المصریة)، ۲/ ۲۴. ۳. ابن عبدالمجید: بهجة الزمن، ص ۲۵.
۴. مذیخره: از شهرهای کلاع مقر پادشاهان منافی ر. ک. همدانی، صفة جزیره العرب، ص ۱۱۸، ۱۱۹، ۳۳۶.
۵. عماره یمنی: همان، ۴۴؛ ابوالفداء، المختصر فی اخبار البشر، ۲/ ۲۴.
۶. مخالف جعفر: منسوب به جعفر بن ابراهیم ذو المثلثة منافی ر. ک. همدانی: صفة جزیره العرب، ص ۱۹۹؛ نشوان بن سعید: ملوک حمیر و اقیال الیمن، ص ۱۶۷؛ ابن دبیع: قره العیون، ص ۱۹۱.
۷. طبری: تاریخ الامم و الملوک، ۵۹۳/۸؛ ابن تعزی بردی: النجوم الزاهرة، ۲/ ۱۸۳؛ یحیی بن حسین: غایة الأمانی، ص ۱۵۱.
۸. یحیی بن حسین: همانجا. ۹. همانجا.
۱۰. عماره یمنی: المفید...، ص ۴۲؛ جنیدی: السلوک، ۱/ ۲۲۱؛ اهدل: تحفة الزمن، برگ ۴۲.
۱۱. ابن عبدالمجید: بهجة الزمن، ص ۲۶-۲۷؛ وصابی: الاعتبار فی التواریخ والآثار، برگ ۱۰۹؛ ابن دبیع: قره العیون، ص ۳۲۲-۳۲۳.
۱۲. مرباط: شهری کهن بر ساحل اقیانوس هند و در پنج فرسخی از ظفار و از مناطق شحر در شرق حضر موت که تا کنون آباد است (همدانی: صفة جزیره العرب، ص ۹۱ و تعلیقات اکوع).
۱۳. حلی: بندری بر ساحل دریای سرخ در منتهی الیه تهامه یمن و آغاز تهامه حجاز و تا کنون آبادان است (همدانی، همان، ص ۳۰۳؛ مقدسی، شمس الدین ابو عبدالله محمد شافعی مشهور به بشاری (د ۳۸۷ ق): احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ص ۸۶.

Kay: Yamman, its Early Medaeval History, London, 1892, P. 215, 218.

قدرت ابن زیاد به بسیاری از نواحی یمن گسترش یافت، او پیوسته دوستدار و پشتیبان خلافت عباسی بود، خطبه به نام خلیفه عباسی می‌خواند و خراج سالیانه را به مرکز خلافت می‌فرستاد.^۱

ابن زیاد حکومت زیدیان را در تهامه و یمن بنیان گذاشت و با یاری نیروهای کمکی خلیفه عباسی توانست امیران محلی سلطه جو مانند بنو یعفر در صنعا^۲ و سلیمان بن طرف در عَثْر^۳ را به اطاعت خود درآورد و پیوسته قدرتش رو به فزونی بود تا آنکه به مقام پادشاهان رسید و قدرت را در میان فرزندان خود موروثی کرد.^۴

پس از مرگ ابن زیاد در ۲۴۵ ق / ۸۵۹ م فرزندش ابراهیم^۵ جانشین او شد و تا سال مرگش در ۲۸۰ ق / ۸۹۳ م به اداره حکومت پرداخت.^۶ پس از ابراهیم، فرزندش زیاد برای مدتی کوتاه جانشین پدر شد. خزرچی^۷ می‌گوید: «به تاریخ وفات زیاد دست نیافتم». با مرگ زیاد برادرش اسحاق بن ابراهیم ابوالجیش^۸ به قدرت رسید و حکومتش به درازا کشید و کسانی چون اسعد بن ابی یعفر حاکم صنعا که به طرفداری از او تظاهر می‌کردند^۹ به مخالفت پرداختند. اسعد درآمد منطقه خود را برای خود بر می‌داشت و برای ابوالجیش نمی‌فرستاد.^{۱۰} از کسانی که بر وی شوریدند، امیر سلیمان بن طرف حاکم عَثْر^{۱۱} بود و

۱. ابن خلدون: العبر، (تلخیص کای)، ص ۱۰۵؛ ابن دبیع: قرة العیون، ص ۳۲۳.

۲. جنیدی: السلوک، ۱ / ۲۲۲.

۳. عَثْر: سرزمین ساحلی یمن و قبایل ساکن آن از خولان و کنانه و ازد هستند و از شهرهای آن بیش، حصبة أبراق و در راه ساحلی از تهامه به سوی مکه واقع شده است (ر.ک: ابن خرداد به ابوالقاسم عبید الله بن عبدالله) (د ۳۰۰ ق):

المسالک والممالک، (لیدن)، ص ۱۴۸؛ همدانی: همان، ص ۲۳۲؛ یاقوت حموی: معجم البلدان، ۴ / ۱۲۰.

۴. محمد جمال الدین سرور: النفوذ الفاطمی فی جزيرة العرب، ص ۶۱.

۵. خزرچی: المسجد المسوک، برگ ۱۲۱ الف؛ ابن دبیع: قرة العیون، ص ۳۲۳.

۶. باخرمه، ابو محمد عبدالله (د ۹۴۷ ق): تاریخ ثغر عدن، به کوشش اوسکار لو فجرین، ۲ / ۲. خزرچی و ابن دبیع وفات ابراهیم بن محمد را در سال ۲۸۹ ق ذکر کرده‌اند. (ر.ک: المسجد المسوک، همانجا؛ قرة العیون، همانجا) و به نقل دیگر سال ۲۹۰ ق است. این گزارشها با انبوهی از روایات تاریخی قدیمی تر که ظهور امام الهادی الی الحق را در ۲۸۴ ق و در ایام ابوالجیش می‌داند، ناسازگار است و ما تاریخی که باخرمه یادآور شده است ترجیح دادیم.

۷. خزرچی: المسجد المسوک، همانجا.

۸. ابن خلدون: العبر (تلخیص کای)، ص ۱۰۵؛ حسن سلیمان محمود: تاریخ الیمن السیاسی، (بغداد، ۱۹۶۹)، ص ۱۱۹.

۹. یحیی بن حسین: انباء الزمن، ص ۳۷. عمارة یمنی، المفید، صص ۴۸-۴۹.

۱۰. عماره یمنی: همان، ص ۴۹-۵۱.

۱۱. ابن عبدالمجید: بهجة الزمن، ص ۲۷.

مخلاف سلیمانی^۱ منسوب به او است. همچنین اهالی لحج و ابین^۲ بر ابوالجیش شوریدند و در جبال نام وی از خطبه بیفتاد.

ضربه‌های شدیدی بر حکومت زیادیان وارد شد. در سال ۲۴۷ امارت بنی یعفر برپا شد. دعوت اسماعیلیه به وسیله داعیانی چون علی بن فضل یمانی و ابوالقاسم رستم بن حسین بن فرج بن حوشب کوفی معروف به منصور الیمن^۳ راه خود را در یمن گشود. بسیاری از مردم یمن دعوت این دو را پذیرا شدند به ویژه از سال ۲۷۰ ق / ۸۸۳ م که دعوت این دو تن علنی شد.^۴ سستی حکومت زیادیان تأثیر فراوانی در پیروزی دعوت اسماعیلیان در سرزمین یمن داشت.^۵

ابوالجیش ضعف خلافت عباسی و چیرگی ترکان بر خلفای عباسی را غنیمت شمرد^۶ و راه استقلال را پیمود و همچون شاهان مستبد بر مرکب سایه دار سوار شد اما با طولانی شدن حکمرانی اش سیطره خود را بر همه نواحی حکومتش از دست داد مخالفان از دادن خراج خودداری می‌کردند^۷ و همین موجب از دست رفتن یکی از مهمترین درآمدهای مالی حکومت شد. یکی از مهمترین خطرهایی که حکومت زیادیان با آن مواجه و سبب ضعف آن را فراهم کرد ظهور داعی اسماعیلی، علی بن فضل بود.

به طور خلاصه باید گفت حکومت زیادیان توازن سیاسی را در یمن حفظ کرد، به حمایت از مذهب اهل سنت در این سرزمین برخاست^۸ و در این حکومت شهر زبید همچون پایتخت اسلامی به شکوفایی رسید و جایگاه عالمان و فقیهان شد و به قول

۱. سلیمان بن طرف الحکم بن سعد العشره. عماره گوید سلیمان بن طرف از پادشاهان تهامه حوزه حکومتی او به طول هفت روز مسافرت و به عرض دو روز مسافرت بود و شامل شرحه تا حلی بود و میزان درآمد این منطقه در سال یک میلیون دینار عثری بود و در سال ۲۸۲ ق / ۹۸۳ م با استفاده از ضعف بنی زیاد به ناحیه مجاور از منطقه عشر دست یافت و حکومت زبید را برچید و بیست سال به استقلال حکم راند. سرزمین او از وادی مور در جنوب تا حلی در شمال گسترده بود و بندر عثری که امروزه اثری از آن نیست مرکز حکومت وی بود (ر. ک: عماره یمنی: المفید، ص ۶۰-۶۱؛ میشل توشنر: «المخلاف السلیمانی فی الیمن»، ترجمه علی محمد زید، مجله دراسات یمنیه، شماره ۳۲ سال ۱۹۸۸ م، مرکز الدراسات والبحوث الیمنی، صنعاء، ص ۶۴-۸۸.

۲. ابن عبدالمجید: بهجة الزمن، ص ۲۷-۲۸.

لحج از شهرهای تهامه که اصبحیان در آن ساکن بودند. آنان از فرزندان اصبح بن عمرو بن حارث ذو اصبح بن مالک بن زید بن غوث بن سعید بن عوف بن عدی بن مالک بن زید بن سدد بن زرعه بودند. و ابین در آن شهر خنقر قرار دارد (همدانی: صفة جزيرة العرب، ص ۹۴-۹۵).
۳. ابن عبدالمجید: بهجة الزمن، ص ۲۷.

۴. حسین بن فیض الله همدانی و حسن سلیمان محمود: الصلیحون والحركة الفاطمية فی الیمن، (قاهره، ۱۹۵۵)، ص ۳۳؛ الجندی، السلوك، ۱ / ۲۳۱ ۵. محمد جمال الدین سرور: النفوذ الفاطمی فی جزيرة العرب، ص ۶۲.

۶. ابن خلدون: العبر (تلخیص کای)، ص ۱۰۵. ۷. عماره یمنی: المفید، ص ۶۲.

۸. عصام الدین عبدالرؤف: الیمن فی ظل الاسلام، ص ۶.